

بررسی خطمشی‌گذاری ورزشی در ایران بر اساس مدل مرجعیت‌های تصمیم‌گیری پیرمولر

جواد گیاه‌شناس بن بازاری^۱ - احمد ساعی^۲ - صادق زیباکلام^۳ - حمید رضا ملک محمدی^۴

چکیده

زمینه: در جمهوری اسلامی ایران به منظور توسعه و گسترش ورزش، فعالیت‌های مستمر و حمایت‌های لازم از طریق نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی انجام می‌شود. در این رهگذر موضوع خطمشی‌گذاری ورزشی با وجود نهادهای موازی و همچنین تعدد مرجعیت‌های تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف ورزش اعم از ورزش قهرمانی و همگانی باعث اتلاف منابع مادی و معنوی و عدم نتیجه‌گیری مطلوب در استعداد‌های انسانی کشور شده است.

هدف: پژوهش کاربردی حاضر، با مفروض وجود مشکل در خطمشی‌گذاری ورزشی ایران با تأکید بر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری به دنبال تمرکز بر عمده‌ترین مشکل مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار ورزش کشور در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر مدل مرجعیت^۱ تصمیم‌گیری پیرمولر^۲ است.

روش: این پژوهش با به‌کارگیری روش فرا تحلیل کیفی با بررسی مواد قانونی تحقق برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین بررسی اسناد بالا دستی و سند چشم‌انداز صورت گرفته است. همچنین بررسی مقایسه‌ای نتایج ورزش ایران در مسابقات جهانی و المپیک به روش مقایسه‌ای و توصیفی بر مبنای مدل فوق انجام گردیده است.

یافته‌ها: بررسی روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از منظر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری یکی از عمده‌ترین مشکلات ورزش کشور را تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در ورزش ایران می‌داند که منجر به عدم تحقق مطلوب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و نیز بی‌ثباتی در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای شده است.

نتایج: وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری و تعارض نظام ارزش‌ها در بخش‌های مختلف ورزش ایران بر مبنای مدل پیرمولر مورد توجه و تأکید قرار گرفت. چالش‌های ساختاری و فعالیت‌های موازی در ساختار ورزش کشور، فقدان هم‌افزایی نهادهای تاثیرگذار در ورزش، پایین بودن سهم ورزش در تامین سلامت عمومی مردم و بسترسازی ورزش قهرمانی، محدود بودن رشته‌های صاحب‌مدال و عدم دسترسی به مدال‌های تاثیرگذار پایدار، عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد ورزشی، فقدان فضاهای ورزشی مناسب، تعارض نظام ارزشی در ورزش حرفه‌ای از جمله نتایج این بررسی می‌باشد.

کلید واژه: خطمشی‌گذاری، ورزش، تصمیم‌گیری، نظام معنایی، مرجعیت‌های چندگانه

^۱ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. j.giahshenas@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ahmadsae@yahoo.com

^۳ استادگروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. szibakalam@ut.ac.ir

^۴ استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. malek@ut.ac.ir

مقدمه

قسمت قابل توجهی از اقدامات اجرایی مربوط به ساخت‌وساز اماکن ورزشی دولتی و بهره‌برداری از آن‌ها و نیز نظارت بر فعالیت‌های ورزشی بخش تعاونی و بخش خصوصی و تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با ورزش توسط وزارت ورزش و جوانان و اداره کل ورزش و جوانان استان‌ها انجام می‌گردد. قسمت عمده‌ای از فعالیت‌های مربوط به آموزش و تربیت مربی و داور، تشکیل اردوهای تدارکاتی ورزشکاران و اعزام آنها به مسابقات داخلی و خارجی و المپیک، توسط کمیته‌ی ملی المپیک، فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی انجام می‌شود که به‌عنوان بازوهای اجرایی وزارت ورزش و جوانان در سطح کشور، به‌صورت نهادهای عمومی غیردولتی اداره می‌شوند. ولیکن در کنار آنها بخش‌های مختلف دیگری در نهادها، سازمانها و وزارتخانه‌های دیگر ورزش در سطوح مختلف را در دستور کار خود قرار داده‌اند بطور مثال نیروهای مسلح یا دانشگاهها ورزش را هم بصورت برنامه آمادگی جسمانی و هم برنامه‌های رقابت ورزشی در سطوح مختلف پیگیری می‌کنند.

بنابراین نظام خط‌مشی‌گذاری بویژه در بخش ورزش در ایران بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به وجود آورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند؛ ازاین‌رو، برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها از یک‌سو، به بهینه‌سازی فرایندهای آینده کمک قابل توجهی می‌کند و از سوی دیگر ما را با نقاط قوت، نقاط ضعف و خلأهای موجود آشنا می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۳، ۷۵).

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این رابطه بسیار حائز اهمیت است اینکه حدود مباحث و چارچوب تئوریک و عملی مدیریت ورزشی و خط‌مشی‌گذاری ورزش از ابهام بسیار زیادی برخوردار است. اگر مدیریت ورزشی^۳ مدیریت همه حوزه‌های ورزشی مانند تجهیزات، سالن و اماکن ورزشی، باشگاه‌های

توسعه ورزش متضمن توجه به توسعه در تمامی سطوح فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی است. پایداری توسعه ورزشی نیازمند استفاده از منابع، مدیریت، سرمایه‌گذاری، پیشرفت فناوری و تغییر ساختاری و نهادی و تناسب سیاست‌ها با الزامات و نیازهای کشور است (کمالی، ۱۳۹۱، ۶) امروزه ورزش و کسب نتایج و مدال‌ها در مسابقات ورزشی و همچنین پذیرش میزبانی‌های بزرگ بین‌المللی و المپیک ارتباط قابل توجهی با موضوع توسعه‌یافتگی کشورها دارد؛ بنابراین دولت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی کشورها در سرتاسر جهان توجه فراوانی به موضوع ورزش در ابعاد مختلف آن به‌ویژه ورزش قهرمانی دارند؛ علی‌رغم افزایش رقابت‌ها و تجانس سیستم‌های ورزشی استراتژی مطلوب برای موفقیت در سطوح بین‌المللی کشورها هنوز نامعلوم است (مظفری و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۲۰). کشورهایی که در ورزش پیشرفت داشته‌اند سعی کرده‌اند با ارائه برنامه‌های توسعه و ایجاد ساختار و استراتژی مناسب در جهت گسترش آن گام بردارند (بدری آذین، ۱۳۸۲، ۹۸). در دهه‌های گذشته نیز نوعی هوشمندی در رابطه با ارزش موفقیت‌های ورزشی و نقش ورزش در میان کشورها و دولت‌ها به چشم می‌خورد؛ برای نمونه، کشور سوئد با پی‌ریزی و پیگیری دو استراتژی کلان خود بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ و از ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۲ در ورزش‌های همگانی زمینه دو استراتژی کلان دیگر خود تا سال ۲۰۲۸ را فراهم نموده است. در دوکشور برزیل و استرالیا نیز در راستای حضور جوانان پس از تعطیلی مدارس مکان‌هایی برای اوقات فراغت مشخص شده است، بنابراین در این کشورها به ترتیب سیاست‌گذاری‌های ۶ و ۸ ساله صورت گرفته است (وفایی مقدم، فرزنان و افشاری، ۱۳۹۵، ۱).

در ایران خط‌مشی‌گذاری ورزشی در سطح کلان بر عهده‌ی شورای عالی ورزش است. برنامه‌ریزی و

جریان و چارچوب ترکیبی پشتیبان را ارائه داد. پس از بررسی‌های انجام‌شده هیچ‌یک از چهار چارچوب مورد بررسی، به اندازه کافی قانع‌کننده تلقی نشدند و در نتیجه، یک نسخه اصلاح‌شده از چارچوب ترکیبی پشتیبان ارائه شد.

(سینگ، ۲۰۱۷) به «بررسی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی» پرداخت. نتایج تحقیقات وی نشان داد که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان، برای افراد در تمام سنین سه برنامه بزرگ ملی راه‌اندازی کرده است. این سه برنامه، مالزی متناسب، روز ملی ورزش و الهام بخشیدن بودند. این برنامه‌ها در ۱۵ ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازماندهی شدند و در نتیجه، تمام مردم را با هر نوع زندگی و سن در برمی‌گرفتند. در نهایت، هدف اصلی این سیاست ورزشی تبدیل ورزش به فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص‌شده در این سیاست تضمین می‌کنند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه‌یافته در کشور مالزی، با موفقیت پیاده‌سازی شوند.

در عرصه پژوهش‌های اتمام یافته داخلی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

حیدری و همکاران، (۱۳۹۷) در تحقیقی به فراتحلیل مطالعات عوامل و راهکارهای جذب مردم برای توسعه ورزش همگانی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ پرداختند. نتایج تحقیقات آنان نشان داد که بین مؤلفه‌های استخراج‌شده از مقالات تفاوت معناداری وجود دارد.

جوادی پور و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری ورزش همگانی ایران پرداختند. بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش بر این عقیده بودند که خط‌مشی‌گذاری صحیحی در ورزش همگانی کشور انجام نشده و مؤلفه‌های مؤثر در ورزش همگانی کشور شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و

خصوصی و عمومی، آمادگی جسمانی، تجارت، ورزش حرفه‌ای و ورزش همگانی را دربر می‌گیرد. سطوح خط‌مشی‌گذاری ورزشی به تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها مستلزم ابزارهای دقیق علمی و الگوهای معتبر می‌باشد، دست‌یابی به این مهم مستلزم تبیین وضع مطلوب، شناسایی وضع موجود و تحلیل شکاف بین دو وضع مطلوب و موجود است (اشتریان، ۱۳۸۷، ۳۸).

از این‌رو ضرورت آسیب‌شناسی خط-مشی‌گذاری عمومی در ورزش ایران اهمیت می‌یابد. مفروض اصلی مقاله حاضر، تعدد مرجعیت‌های تصمیم‌گیری در این حوزه و پرسش اصلی این مقاله، آن است که دلیل وجود مرجعیت‌های چندگانه در عرصه خط‌مشی‌گذاری ورزشی ایران چیست؟ این تعدد باعث چه نتایجی در عرصه ورزش و اجتماع ایران شده است؟ از سوی دیگر راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود مبتنی بر مدل مرجعیت‌های تصمیم‌گیری پیرمولر چه مواردی خواهد بود. در پاسخ به این سوالات بر مبنای روش فرا تحلیل کیفی پژوهش‌های صورت گرفته و تحلیل نتایج آن مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار خواهد گرفت.

تاکنون پژوهش‌های قابل‌توجهی در زمینه بررسی فرایند خط و مشی‌گذاری در عرصه ورزش در کشور انجام نشده است؛ با این‌وجود از پژوهش‌هایی که بی‌ارتباط با پژوهش حاضر نیستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

از جمله پژوهش‌های انجام گرفته خارجی می‌توان به (هالیهان^۲، ۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان «تدوین چهارچوب تحلیلی سیاست‌گذاری عمومی ورزش انگلستان» این موضوع را در این کشور مورد بررسی قرار داد. وی پس از تدوین مجموعه‌ای از معیارها برای ارزیابی کفایت چارچوب‌های تحلیلی، چهار چارچوب اصلی تحلیلی در سطح بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد و مدل مراحل، تحلیل نهادی، مدل چندمرحله‌ای

استفاده از منابع، مدیریت، سرمایه‌گذاری، پیشرفت فناوری و تغییر ساختاری و نهادی و تناسب سیاست‌ها با الزامات و نیازهای کشور می‌باشد.

منظمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی به تعیین "عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران" پرداختند و گزارش نمودند که عوامل مالی و امکاناتی، انسانی و تخصصی، مدیریتی و ساختاری، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران مؤثر می‌باشد.

غفوری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود مبنی بر «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی» به نقش عوامل انسانی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، رسانه و بین فردی از جمله عوامل مهم در توسعه ورزش همگانی اشاره می‌کنند.

(ملکوتیان ۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان سیاست و ورزش به جنبه‌های گوناگون رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. بر اساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست رابطه ای دوطرفه است. از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی در ورزش تاثیر دارد و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی، همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی، بر سیاست تأثیر می‌گذارد.

اسفندیار خسروی زاده (۱۳۸۶) در رساله پایان نامه خود با عنوان «مطالعه و طراحی برنامه استراتژیک کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران» عنوان می‌کند که جایگاه راهبردی کمیته ملی المپیک در منطقه قوت - فرصت قرار دارد او بر نقش مهم و اثر گذار این کمیته بر استفاده از فرصت‌ها در توسعه ورزش تاکید می‌نماید.

مبانی نظری پژوهش

خط‌مشی‌گذاری را می‌توان فرآیند شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و تصمیم‌های گوناگون

فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و نیز مطالعات و پژوهش‌ها هستند؛ همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که گروه‌های سیاسی در مقایسه با گروه‌های دارای نفوذ مدنی و حرفه‌ای بیشترین تأثیر را در خط‌مشی‌گذاری ورزشی دارند. از این رو، بخش‌های غیردولتی و نهادهای مدنی کمترین مشارکت را در این فرایند دارند.

وفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران و کشورهای پیشرفته» به مقایسه تطبیقی وضعیت سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران در مقایسه با کشورهای برزیل، استرالیا، نروژ، فرانسه و سوئد پرداختند و با مقایسه نتایج، ۱۲ مؤلفه را برای افزودن به مدل سیاست‌گذاری ورزشی در ایران پیشنهاد دادند.

نازنین راسخ و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «طراحی و تدوین برنامه راهبردی ورزش قهرمانی بانوان کشور ایران» نشان داد که ورزش قهرمانی بانوان می‌بایست از راهبردهای تدافعی استفاده کند و تدوین برنامه و انتخاب راهبردهای مناسب چون الگوپردازی، طراحی و ساخت اماکن ورزشی ویژه بانوان و بستر سازی لازم جهت کسب میزبانی‌های بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در توسعه ورزش بانوان در کشور داشته باشد.

آجرلو و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «طراحی ساختار تشکیلاتی کلان ورزش جمهوری اسلامی ایران» به آسیب‌شناسی ساختار موجود در ورزش ایران پرداختند؛ نتایج این پژوهش نشان داد، نمودار سازمانی وزارت ورزش دارای پیچیدگی‌های فراوان افقی و عمودی است؛ به‌طوری‌که سلسله مراتب موجود باعث مشکلات زیادی در ساختار شده است. بنابراین در این پژوهش تاکید شد توسعه ورزش متضمن توجه به توسعه در تمامی سطوح فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی است و پایداری آن مستلزم

مرجعیت‌ها در واقع دلایل وجودی و اثباتی سیاست‌ها هستند و سیاست‌ها با ارجاع به آن‌ها معنا می‌یابند و توجیه می‌شوند؛ بنابراین تغییر سیاست‌ها در وهله نخست، مستلزم تغییر در مرجعیت آن‌هاست. مرجعیت‌ها در نگاه غیر کلان، به مرجعیت یک قسمت، یک بخش یا حتی یک زمینه خاص همانند کشاورزی، صنعت و امثال آن بازمی‌گردد و در نگاه کلان، مجموعه سیستم یا نظام کلی را در برمی‌گیرد؛ بنابراین، مرجعیت یک سیاست، به خط‌مشی‌گذاری مربوط به آن معنا می‌بخشد و به چرایی شکل‌گیری یک سیاست به شکلی که وجود دارد پاسخ می‌دهد (ملک محمدی، ۱۳۸۴، ۲۷۰). مرجعیت یک سیاست شامل مجموعه‌ای از هنجارهای نمایی است که با تعریف ملاک‌های انتخاب و چگونگی تعیین اهداف، به آن معنا می‌بخشد. این مسئله شامل فرایندی شناختی است که کارکرد آن، فهم واقعیت به کمک محدود کردن پیچیدگی آن است. ایجاد مرجعیت از یک سیاست با فرایندی دوگانه در ارتباط است: از یک سمت پرده برداشتن (کشف رمز) از واقعیت به کمک فعالیت‌های علمی که با ارائه تعاریف جدید از نقاط تأکید بر عمل، موجب کاهش ابهامات و عدم شفافیت جهان می‌شود؛ و در سمت دیگر پوشانیدن واقعیت (رمزگذاری و قاعده بندی مجدد) در میان توصیف روش‌های عملیاتی مناسب برای تعریف یک برنامه عمل عمومی (مولر، ۱۳۸۴، ۱۳).

مرجعیت سیاست‌گذاری به معنای ایجاد نوعی قرائت یا ارائه تصویری از واقعیت است که براساس آن عمل می‌شود. بنابراین، مرجعیت یک سیاست، به خط‌مشی‌گذاری مربوط به آن، معنا می‌بخشد و به چرایی شکل‌گیری یک سیاست (به شکلی که وجود دارد) پاسخ می‌دهد. (ملک محمدی، ۱۳۸۴: ۲۹)

دانست که تصمیم‌گیرندگان رسمی و غیررسمی اتخاذ می‌کنند و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی مردم دارد (کمالی، ۱۳۹۱، ۶). به اعتقاد ویلیام جنکینز خط و مشی‌گذاری مجموعه تصمیم‌های مرتبط بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی درباره اهداف و ابزارهای دستیابی به آنها در شرایط مشخص است، به شرط آنکه این تصمیم‌ها به‌طور قانونی در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشد (هاولت و رامش، ۱۳۸۰، ۷).

به اعتقاد پیترز «سیاست‌گذاری عمومی مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر زندگی شهروندان دارد». (پیترز، ۲۰۰۴، ۲۱) اما مطالعات سیاست‌گذاری که شامل توصیف و توضیح علل و نتایج اقدامات حکومتهاست، برخلاف سایر رشته‌های علمی مانند علم سیاست یا اقتصاد، رشته‌ای نوظهور بوده و از پیشینه‌ای کوتاه در حدود ۵۰ سال برخوردار است (بیرکلند، ۲۰۱۴، ۷)

موضوع مرجعیت «referential» در خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان ارائه‌کننده جایگاه و نقش یک بخش در جامعه فرضی در زمانی خاص، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. در همین زمینه «پیر مولر» به شرح و بسط مفهوم مرجعیت سیاست‌ها پرداخته است، به اعتقاد وی، مفهوم مرجعیت، مجموعه بازنمایی‌ها و تصاویری از واقعیت است که زمینه‌ساز خط-مشی‌گذاری است و کارکرد آن، فهم‌پذیر کردن واقعیت با محدود کردن پیچیدگی‌های آن است (مولر، ۱۳۸۳، ۱۴). مرجعیت به معنای ایجاد نوعی قرائت با ارائه تصویری از واقعیت است که بر اساس آن عمل می‌شود. با رجوع به این تصویر شناختی بازیگران به سازمان‌دهی دریافت‌های خویش از نظام می‌پردازند، با راه‌حل مواجه می‌شوند و پیشنهادهای مختلفی برای عمل خویش ارائه می‌کنند. این مجموعه از تصاویر را مرجعیت خط‌مشی‌گذاری می‌نامند.

روش پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی خط مشی گذاری ورزشی در ایران می‌باشد. به منظور نیل به این هدف، از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. اصطلاح فراتحلیل «MetaAnalysis» را اولین بار گلاس رئیس انجمن تحقیقات آموزشی امریکا در سال ۱۹۷۷ به کار برد. و از آن به عنوان یک فلسفه پژوهشی و روش شناسی نام برد. البته تاریخچه فراتحلیل به سال‌های قبل یعنی سال ۱۹۰۴ و فعالیت‌های پیروان در تحقیقات پزشکی برمی‌گردد. اصل بنیادین در این روش عبارت است از ترکیب نتایج تحقیقات مختلف و استخراج نتایج جدید و منسجم. هاپکینز ۲۰۰۱، فراتحلیل را تحلیل تحلیلیها می‌داند. دی کاستر ۲۰۰۳، فراتحلیل را این چنین تعریف می‌کند «ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد و مجزا در حوزه‌ای معین، بطوریکه در این روش تحقیقات موجود بر مبنای تأکید بر ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها به منظور استناد علمی و کاربردی مورد توجه قرار گرفته است».

در این روش ابتدا از طریق شکستن اجزا کلیت مدار، تحلیل اولیه را به نحوی منتقل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چهارچوبی مورد استفاده قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب‌شده اطلاعاتی را نشان می‌دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از پژوهش‌های اولیه استخراج و در گام بعدی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کلیت نو را پدیدار می‌سازند. لاس، ۱۹۹۵ آنرا روش پژوهشی معتبری می‌نامد که ترکیب پیشینه را بر اساس نتایج کمی و تحلیلهای منطقی از متغیرهای طرح، ممکن می‌سازد.

هولیار و همکاران ۱۹۹۶ فراتحلیل را گردآوری داده‌های پژوهش‌های کمی، به منظور رسیدن به یک نتیجه گیری کلی درباره سطح تأثیری می‌دانند که متغیر معین بر یک جامعه دارد. انجام فراتحلیل نیازمند تعداد

قابل اتکایی از کارهای پژوهشی در موضوعی واحد در جامعه می‌باشد. بنابراین انجام آن تنها در حوزه‌ها و موضوعاتی امکان دارد که حداقل به لحاظ کمی تعداد پژوهش‌های درخور توجهی وجود داشته باشد (ازکیا و توکلی، ۱۳۸۵).

هدف از فراتحلیل کیفی، ارائه تصویری جامع و تفسیری از داده‌ها و پژوهش‌هایی است که تا به حال به موضوع خاص پرداخته اند (تیمولاک ۲۰۰۹، ۵۹۵). فراتحلیل کیفی درصدد است تا با یکپارچه کردن و ترکیب نظریه‌ها، روشها و یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته، عناصر اساسی آن پژوهشها را کشف کرده و نتایج و جهت گیریهای کلی آنها را در قالب جدیدی مفهوم سازی کند و در نهایت، به تفسیر و تبیین آن عناصر و یافته‌ها بپردازد. آنچه بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده، نقش آن در ترکیب و یکپارچه سازی پژوهش‌هایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. فراتحلیل می‌تواند به روشنی خلأها، مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان دهد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۲، ۱۱۵).

از سوی دیگر نیز نقطه نظرهای پژوهشگران و یافته‌های پژوهشی موجود به طور علمی با روش فراتحلیل مورد بازبینی و بهره برداری قرار خواهد گرفت و این خود به نوعی بهره وری علمی را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد استرینر (۲۰۰۳) این روش، شیوه ای دقیق برای ترکیب هدفمند نتایج مطالعات متعدد، به منظور دستیابی به برآوردی بهتر در مورد واقعیت و شامل مراحل چندگانه زیر است: الف) جستجوی فراگیر برای یافتن تمام مدارک موجود، ب) به کارگیری معیاری روشن برای تعیین پژوهش‌های دربرگیرنده، ج) تعیین یک اندازه اثر برای هر تحقیق، د) یکی کردن اندازه‌های اثر پژوهش‌های مختلف تا رسیدن به یک برآورد کلی از شیوع تا تأثیر یک رفتار.

در مجموع، دو گونه فراتحلیل وجود دارد: الف) فراتحلیل کمی که با استفاده از تکنیکهای آماری

پیچیده، درصدد یکپارچه کردن نظریه‌ها و نتایج تمامی پژوهش‌ها و همچنین شناسایی متغیرهای مزاحم و مداخله‌گر است. ب) فرا تحلیل کیفی که نه تنها نظریه‌ها، روش‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف را یکپارچه می‌کند، بلکه تفسیر ژرفی از موضوع مورد بررسی ارائه می‌دهد.

در پژوهش حاضر مرجعیت خط‌مشی‌گذاری ورزشی از بین متغیرهای موجود در ساختار کلان ورزش در پژوهش‌های متعدد مورد واکاوی قرار گرفته است. جامعه پژوهش در فرا تحلیل، تمامی تحقیقات و پژوهش‌های تجربی انجام گرفته در حوزه ورزش ایران بود و بنابراین، مقالات علمی مروری یا نظری صرف از این پژوهش کنار گذاشته شدند. برخی از این منابع از طریق مراجعه مکرر و حضوری به کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و برخی دیگر نیز از طریق جستجوی اینترنتی یافت شدند. پس از مراجعه به تمامی پایگاه‌های اطلاعاتی نشریات علمی کشور و همچنین جست و جوی آزاد در اینترنت، تعداد ۴۸ پژوهش در قالب پایان‌نامه، مقاله علمی پژوهشی و مقاله همایشی به دست آمد که البته از این تعداد، ۳۷

پژوهش به بررسی مدیریت ورزشی در ایران پرداخته‌اند. آنچه در مقاله حاضر مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت، ساختار این پژوهش‌ها به انضمام تمرکز بررسی اسناد بالا دستی و مقایسه نتایج ورزش ایران در ادوار مختلف با توجه به نتایج ورزش کشور در ابعاد جهانی و المپیک و مسابقات آسیایی بود، بنابراین بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه مدیریت ورزشی نیز که صرفاً به بررسی مطالعات بخشی در ورزش پرداخته بودند نیز کنار گذاشته شدند و در این پژوهش تعداد ۱۲ مورد از مطالعات کلان در عرصه خط‌مشی‌گذاری ورزشی مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، یک سیاهه واری محقق ساخته برای ثبت محتوای مطالعات بود. این سیاهه مواردی همچون عنوان تحقیق، سال انتشار، مجله موردنظر، روش پژوهش، نمونه‌آماري و ضرایب و آمارها و اندازه اثر به دست آمده در پژوهش‌های مورد استفاده را شامل می‌شد. که بر مبنای گزارش‌های آماری از نظارت بر نتایج برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱: پژوهش‌های بررسی شده

سال	محققین	عنوان تحقیق
(۱۳۸۲)	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	نظام جامع توسعه تربیت‌بدنی و ورزش کشور
(۱۳۹۵)	سازمان برنامه‌بودجه کشور	گزارش عملکرد برنامه قانون پنجم توسعه
(۱۳۹۶)	سازمان برنامه‌بودجه کشور	گزارش عملکرد برنامه قانون ششم توسعه
(۱۳۸۱)	سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران	سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت‌بدنی و ورزش کشور، مؤلفه توسعه ورزش قهرمانی.
(۱۳۸۷)	قراخانلو، رضا. قراخانلو، احسان	سیاست‌گذاری و اولویت بندی در توسعه ورزش قهرمانی
(۱۳۹۶)	جوادی پور، محمد، رهبری، سمیه	شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران
(۱۳۷۹)	کاشف، محمد	بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه‌هایی برای توسعه آن
(۱۳۹۶)	رضائی نژاد، رحیم. هژبری، کاظم. عیدی، حسین.	مبانی توسعه ورزش و کاربرد آن در ورزش ایران
و ۱۳۹۵	سازمان برنامه‌بودجه کشور	گزارش نظارت بر عملکرد برنامه و چهارم پنجم توسعه
(۱۳۹۶)		
(۱۳۹۷)	جوادی پور، محمد، میترا روحی دهکردی؛ سمیه	آسیب‌شناسی فرآیند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو
(۱۳۹۱)	پیمان فر، محمدحسن	موانع زیربنایی نظام ورزش کشور در اجرای برنامه‌های راهبردی.

یافته‌ها

طرح مشکل: تعارض ساختاری- کارکردی سیستم مدیریت ورزش ایران از منظر مرجعیت خط- مشی‌گذاری ورزشی

مفهوم مرجعیت نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری سیاست‌ها، تعریف اهداف و مسائل سیاستی دارد؛ در نتیجه مرجعیت سیاست‌های یک بخش فرایند سیاست‌گذاری، اصول و اندیشه حاکم بر آن بخش را نشان می‌دهد و نقش مهمی در تحقق اهداف آن بخش دارد (ملک محمدی و کمالی، ۱۳۹۵، ۲۸۰) از این‌رو اهمیت مرجعیت‌ها در ورزش کشور قابل اهمیت و پیگیری است و فقدان آن سبب بروز ناکارآمدی و چالش در تحقق اهداف و سیاست‌ها و نتایج عینی تدوین‌شده، خواهد شد.

فقدان مرجعیت در سطوح کلان در بخش ورزش در قوانین و مقررات تدوین‌شده در این بخش نیز نمود یافته و موجب بروز مشکلاتی از قبیل به‌روز نبودن قوانین و مقررات بخش ورزش کشور، خلأ قوانین و مقررات لازم در برخی از مسائل و موضوعات حال حاضر ورزش کشور و عدم وجود مجموع قوانین مرجع بخش ورزش از جمله سند جامع ورزش کشور، جهت هماهنگی و استفاده کلیه سازمان‌های ذی‌ربط در بخش ورزش شده است در این راستا تدوین و تصویب قانون جامع ورزش کشور را به امری ضروری بدل ساخته است.

نمونه بارز این موضوع طرح جامع ورزش کشور بود طرحی که قصد داشت تا فدراسیون‌ها و سازمان‌های ورزشی را ملزم به ارائه طرح استراتژیک خود نماید. نمونه‌هایی اسناد مختلف ورزشی عبارتند از: نظام جامع حقوقی تربیت بدنی و ورزش کشور (۱۳۸۳)، نظام جامع ورزش حرفه ای ۱۳۸۷، نظام استراتژیک کمیته ملی المپیک ۱۳۸۷، نظام جامع توسعه ورزش قهرمانی ۱۳۸۷، تدوین اهداف کلان، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی توسعه ورزش دانشجویی در

قالب برنامه چهارم توسعه کشور ۱۳۸۸ و... که عملاً بسیاری از این طرح‌ها به سرانجامی دست پیدا نکرده اند.

تداخل عملکردی در سازمانها و موازی کاری نهادهای مختلف کشور در امر خط مشی گذاری و اجرایی در حوزه ورزشی را می‌توان به کارکردها و موازی کاری‌های عملکرد وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ستاد کل نیروهای مسلح، دانشگاه آزاد اسلامی و شهرداری‌ها اشاره نمود.

همین موضوع باعث گردیده است تا تعارض ساختاری از یک سو و از جانب دیگر تعارض در نظام ارزش‌ها در سازمانهای ورزشی کشور عملاً چشم‌گیر باشد. وجود برداشت‌های روشن و منسجم از مصالح عمومی و منافع ملی بهترین معیار را برای تدوین سیاست‌های عمومی به دست می‌دهد. تعریف و تدوین مصالح عمومی و منافع ملی عرصه را بر شکل‌گیری مرجعیت‌های پایدار و هماهنگ سیاست‌های عمومی می‌گشاید. مرجعیت‌ها تصاویری هستند از واقعیت که زمینه‌ساز کنش و عمل دولتی می‌شوند. پرداخت و بازپرداخت مرجعیت‌ها حاصل فعالیت واسطه‌هایی است که با درکی صحیح از مصالح عمومی و منافع ملی زمینه‌ساز سیاست‌های عمومی خرد مدار و تغییرات تدریجی پایدار می‌شوند. تعلق سازمانی واسطه‌ها در درون و نیز در بیرون دولت باید جست‌وجو کرد (وحید، ۱۳۸۴، ۳۱۸).

تحلیل و بررسی ساختار ورزش کشور بیانگر تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در بخش ورزش کشور است. فقدان مرجعیتها در راستای هماهنگی و خط و مشی گذاری‌های کلان را می‌توان مهم‌ترین چالش ساختار ورزش کشور توصیف کرد. عدم تقسیم‌کار ملی، موازی‌سازی و هم‌پوشانی اقدامات و سیاست‌های

۵) ایجاد انگیزه به‌منظور تقویت و توسعه فعالیت‌های درآمدی سازمان تربیت‌بدنی (ماده ۱۷۰ برنامه سوم توسعه، تنفیذی در ماده ۱۱۸ قانون برنامه چهارم توسعه کشور) (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴).

سیاست‌های اجرایی برنامه چهارم توسعه در بخش ورزش و تربیت‌بدنی

۱) تنوع بخشی به منابع: توجه به ورزش‌های پایه، به‌ویژه از سطوح پایین (مدارس روستاها، نونهالان، نوجوانان و جوانان)؛

۲) ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین مراکز پژوهشی و تحقیقاتی با سازمان‌ها و نهادهای متولی ورزش و اتخاذ تصمیم بر اساس نتایج علمی؛

۳) همگامی فعالیت‌های ورزش در سطوح آماتوری و حرفه‌ای با نگرش‌های علمی جهان؛

۴) توجه به استعداد‌های ورزشی مناطق و تلاش برای شکوفایی آنان - سالم‌سازی محیط‌ها و میدانی ورزشی با تأکید بر روش‌های فرهنگی: توجه به عمومی کردن ورزش در سطح جامعه، به‌عنوان عاملی برای سالم‌سازی روحی، روانی و جسمانی؛

۵) پاسخگویی معقول به نیازهای ورزشی جامعه؛

۶) ایجاد نهادهای آموزشی کارشناسی و کاربردی برای انواع تخصص‌ها و مدیریت‌ها با مشارکت مراکز متخصص خارجی و حمایت دولت (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴).

عملکرد و نتایج سیاست‌های توسعه ورزش در برنامه چهارم توسعه

در گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش که توسط معاونت توسعه و پشتیبانی وزارت ورزش و جوانان تدوین شده است در خصوص تحلیل احکام

تدوین شده ورزش کشور را با چالش‌های گوناگون مواجه ساخته که آثار و پیامدهای آن را می‌توان در عدم تحقق برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و روند ناپایدار ورزش قهرمانی جستجو کرد.

بررسی عملکرد و نتایج سیاست‌های ورزش در برنامه چهارم توسعه

برنامه چهارم توسعه در مورخه ۱۳۸۳/۶/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در بندهای مختلف این برنامه به‌طور مستقل و مجزا به ورزش و تربیت‌بدنی اشاره‌ای نشده است و برنامه‌های این بخش در بخش‌های دیگر برنامه در نظر گرفته شده است. جهت‌گیری‌های اصلی در برنامه چهارم توسعه با موضوع ورزش مشتمل بر موارد زیر می‌باشد.

۱) عدالت اجتماعی و بهره‌مندی نقاط مختلف کشور از فضاهای ورزشی و اتخاذ تمهیدات لازم به‌منظور رشد تولید، توزیع و صادرات محصولات ورزشی توسط بخش خصوصی و تعاونی و افزایش بهره‌وری از فضاهای ورزشی در اختیار دستگاه‌های اجرایی بندهای «ب»، «د»، «د»، «ر» و «م» ماده ۱۰۴؛

۲) اصلاح ساختار تربیت‌بدنی به‌منظور توسعه کمی و کیفی، ترویج فرهنگ ورزش، تقویت حضور بخش غیردولتی و توسعه امور پژوهشی و تربیت نیروی انسانی کیفی (ماده ۱۱۷)؛

۳) استفاده از توانمندی‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا در بهره‌برداری از مراکز ورزشی و جلب همکاری مردم در ایجاد این‌گونه فضاها (بند ب ماده ۱۵۶ برنامه سوم توسعه. تنفیذی در ماده ۱۰۵ قانون برنامه چهارم توسعه کشور)؛

۴) حمایت از اشخاص حقیقی یا حقوقی که وجوهی را برای کمک به فعالیت‌های ورزشی پرداخت می‌نمایند (ماده ۱۶۹ ماده ۱۷۰ برنامه سوم توسعه، تنفیذ در ماده ۱۱۸ قانون برنامه چهارم توسعه کشور)؛

با وجود آنکه برنامه چهارم توسعه نسبت به سایر برنامه‌های گذشته بیانگر پیشرفت قابل توجهی در نظام برنامه‌ریزی کشور است و تعیین اهداف و اولویت‌ها، تفکیک سیاست‌ها در قالب اسناد توسعه‌بخشی، فرا بخشی، تلفیقی و استانی بیانگر نظم جدیدی در برنامه‌های توسعه کشور است (کمالی، ۱۳۹۱)؛ عدم وحدت رویه مناسب در سیاست‌گذاری بخش تربیت بدنی و ورزش کشور و متناسب نبودن ساختار سازمانی ورزش کشور سبب‌ساز عدم تحقق مطلوب مواد قانونی برنامه مذکور شده است. نظری گذرا بر برنامه چهارم توسعه بیانگر آن است که هیچ‌یک از بخش‌های برنامه مذکور به‌طور مستقل و مجزا به ورزش و تربیت بدنی اختصاص ندارد؛ به عبارت دیگر فصل یا بخشی به‌عنوان فصل ورزش و تربیت بدنی برای این برنامه در نظر گرفته نشده و برنامه‌های توسعه ورزش و تربیت بدنی در بخش‌های مختلف به‌ویژه در بخش توسعه فرهنگی و به‌صورت بخشی ارائه شده است.

با بررسی تحقق احکام برنامه چهارم در حوزه ورزش می‌توان دریافت تحقق برنامه چهارم در این حوزه از رویه باثبات و هدفمندی پیروی نمی‌کند که این امر را می‌توان ناشی از ابهام مرجعیت بخش ورزش در برنامه یادشده دانست. فقدان سیستم استعدادیابی، عدم وجود قوانین مدون موردنیاز، ضعف شبکه اطلاع‌رسانی، فقدان نظام ارزیابی و نظارت منسجم در بخش ورزش، ضعف ساختار باشگاه‌های ورزشی کشور، عدم بانک اطلاعاتی موثق و ضعف شدید نظام آماری به‌عنوان ضعف‌های برنامه چهارم توسعه در حوزه ورزش را می‌توان ناشی از فقدان مرجعیت‌ها در حوزه ورزش و عدم وحدت رویه در خط‌مشی‌گذاری این بخش توصیف کرد.

برنامه چهارم توسعه آمده است: "سیاست‌های ورزشی حاکم در برنامه چهارم توسعه به علت عدم اجرای کامل آن‌ها، مشابه سیاست‌های برنامه سوم بوده و به این برنامه منتقل گردیده است. به‌رغم عدم تهیه و تصویب «طرح جامع ورزش کشور» که مقرر بود در برنامه سوم تهیه شود، در برنامه چهارم صرفاً به استناد «سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور» مواد مرتبط به بخش ورزش برنامه چهارم بر اساس آن به تصویب رسیده است؛ بنابراین با توجه به مفاد برنامه مذکور، ملاحظه می‌شود که پیش‌بینی‌های لازم در زمینه رشد و توسعه ورزش از قبیل افزایش سرانه فضاهای ورزشی، رشد و توسعه ورزش همگانی، رشد و توسعه ورزش مدارس، دانشگاه‌ها، بانوان، توسعه ورزش قهرمانی، حرفه‌ای شدن ورزش و ایجاد زمینه‌های موردنیاز از قبیل تهیه و واگذاری زمین برای ایجاد تعاونی‌های ورزشی و باشگاه‌ها و غیره صورت گرفته است. ضمن آنکه تکلیف به خصوصی شدن فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای به میزان صد در صد در طول برنامه چهارم در قالب بند «ز» انجام پذیرفته است. لکن با نگاهی به عملکرد این حکم قانون برنامه چهارم ملاحظه می‌شود که بیشتر در زمینه ساخت‌وسازهای ورزشی و اجرای بند «ب» برنامه مذکور، اختصاص یک درصد از اعتبارات دستگاه‌های اجرایی به ورزش، عملکرد مثبت بوده و دیگر بندهای مصوب، در حد انتظار اجرایی نشده است. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل عدم اجرای سیاست خصوصی‌سازی در ورزش و نیز توسعه نامناسب ورزش حرفه‌ای، وجود بند «ب» برنامه چهارم است که به دلیل در اختیار قرار دادن اعتبارات مناسب به دستگاه‌های اجرایی، اتکا به دولت را بیشتر کرده و ورزش حرفه‌ای به‌جای خصوصی شدن، دولتی شده است که این امر از آسیب‌های جدی به ورزش کشور تلقی می‌گردد».

جدول ۲: عملکرد متغیرهای کلیدی برنامه چهارم توسعه در بخش ورزش و تربیت‌بدنی

* عنوان هدف‌های کمی	واحد	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
۱ سرانه فضاهای ورزشی سرپوشیده بخش تربیت‌بدنی	مترمربع	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۶۸	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۳۹
۲ میزان مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های ورزشی	نفر	۳۸۹۱۰۰۰	۴۲۹۷۰۰۰	۶۰۳۰۰۰۰	۶۶۳۳۰۰۰	۷۹۵۹۶۰۰	-
۳ میزان مشارکت دانشجویان در برنامه‌های ورزشی	نفر	۱۱۹۶۸۲	۱۴۵۰۵۵	۲۸۷۵۴۲	۳۸۲۰۹۵	۳۵۳۱۱۴	-
۴ ساعت درس تربیت‌بدنی در مدارس	ساعت درس	۲	۲	۲	-	۲	۳
۵ تعداد واحدهای درس تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها	واحد درسی	۲	۲	۲	-	۲	۲
۶ میزان مشارکت مردان در برنامه‌های ورزش همگانی	نفر	۱۱۸۹۷۱۹۵	۷۱۷۰۰۰۰	۱۰۵۸۶۷۴۰	۷۸۲۶۴۲۹	۹۳۹۱۷۱۴	۹۸۵۰۰۰۰
۷ میزان مشارکت زنان در برنامه‌های ورزش همگانی	نفر	۴۶۵۳۱۱۶	۲۴۲۴۰۰۰	۴۸۵۱۲۹۵	۲۶۲۱۵۵۶	۳۹۳۲۳۲۰	۴۹۴۱۰۰۰
۸ میزان مشارکت جمعیت ورزش قهرمانی مردان	نفر	۳۰۹۱۵۷۹	۳۱۸۸۲۵۶	۳۲۳۶۰۸۳	۲۳۳۴۰۷۵	۱۷۶۷۶۳۳	۱۹۴۴۳۸۵
۹ میزان مشارکت جمعیت ورزش قهرمانی زنان	نفر	۱۵۳۶۷۸۴	۱۶۲۱۲۶۹	۱۶۴۵۵۸۱	۹۹۳۳۵۹	۷۷۵۸۱۵	۷۹۵۰۵۷
۱۰ تعداد مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی و جهانی	مدال	۵۶۱	۷۱۸	۹۴۶	-	۶۷۹	۳۹۰
۱۱ تعداد مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های المپیک	مدال	-	-	-	۲	-	-
۱۲ تعداد مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های پارالمپیک	مدال	-	-	-	۱۴	-	-
۱۳ تعداد باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای	مدال	۵۷	۶۰	۷۲	۸۰	۹۰	۹۹
۱۴ تعداد ورزشکاران حرفه‌ای	باشگاه	۱۲۳۰	۱۲۹۱	۱۳۸۷	۱۴۰۰	۱۵۰۰	۱۶۵۰

(گزارش نظارت بر عملکرد برنامه چهارم توسعه، ۱۳۹۱)

بررسی عملکرد و نتایج سیاست‌های ورزش در برنامه پنجم توسعه

در بخش امور اجتماعی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و همچنین در بخش بسته فرهنگی و اجتماعی احکام برنامه پنجم توسعه بخش ورزش و تربیت‌بدنی موردتوجه قرار گرفته است. در گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش که توسط معاونت توسعه و پشتیبانی وزارت ورزش و جوانان تدوین شده است در خصوص تحلیل احکام برنامه پنجم توسعه آمده است: "بررسی مفاد و احکام برنامه پنجم توسعه در زمینه ورزش و تربیت‌بدنی، نشان‌دهنده تمرکز و تأکید این برنامه بر افزایش سرانه بهره‌مندی اقشار مختلف مردم از فضاهای ورزشی، توسعه ورزش همگانی قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزشی و بسترسازی در جهت احداث و توسعه فضاهای ورزشی است. در راستای تحقق هر یک از این مسائل نیز

جهت‌گیری‌های اعتباری و مالی در نظر گرفته شده است. یکی از مسائل مطرح در تحلیل برنامه پنجم توسعه، ترکیب اعضای کارگروه تخصصی تربیت‌بدنی است به‌طوری‌که برخی از اعضای این کارگروه مسئولیت و نقشی در حوزه ورزش و تربیت‌بدنی ندارند و همچنین تعدادی از سازمان‌ها و نهادهایی مسئول و اثرگذار در حوزه ورزش در این کارگروه در نظر گرفته نشده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به وزارت صنایع، وزارت کشور و شهرداری‌ها اشاره کرد. این امر سبب عدم توجه همه‌جانبه و جامع به بخش ورزش و نادیده گرفتن بخشی از خواست‌ها و ظرفیت‌های سایر دستگاه‌ها و در نتیجه بروز پاره‌ای از موازی کاری‌ها، ناهماهنگی‌ها خواهد گردید. در تحلیل احکام برنامه با توجه به ماده ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون برنامه سوم و تنفیذ آن در قانون برنامه چهارم (ماده ۱۱۸) و وجود درآمد اختصاصی در برنامه چهارم، متأسفانه در

قوتی که مطرح شد، احکام برنامه پنجم در بخش ورزش و تربیت‌بدنی دارای کاستی‌هایی نیز است. از جمله این مشکلات پراکنده بودن احکام مربوط به بخش ورزش و محدود بودن موضوعات آن و دیده نشدن بسیاری از مسائل حائز اهمیت کشور است. به طوری که موضوعات و مسائل مهمی همچون نظام ورزش بانوان، امور پژوهشی و تحقیقات ورزشی، نظام باشگاه‌داری و ورزش حرفه‌ای و آماتوری دیده نشده است. همچنین جهت‌گیری نسبت به سایر موضوعات نیز محدود به جهت‌گیری‌های مالی و اعتباری است.

با نظری بر تحقق مواد قانونی برنامه پنجم توسعه و تحلیل احکام قانونی آن می‌توان دریافت مرجعیت بخش ورزش در برنامه پنجم توسعه فاقد نگاه همه‌جانبه است. این امر سبب‌ساز فقدان انسجام و یکپارچگی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تدوین‌شده برای نیل به اهداف می‌شود. برنامه پنجم توسعه در حوزه ورزش ضمن عدم وضوح کافی و فقدان نگاه همه‌جانبه دارای ابهامات فراوان در مرجعیت سیاست‌های تدوین‌شده است. با توجه به مبنا بودن مرجعیت‌ها در کل فرایند تاثیرگذاری ابهام مرجعیت‌ها اثر دامنه‌داری داشته و در سایر مراحل خط‌مشی‌گذاری مسائل عمده‌ای ایجاد می‌کند و در نهایت منجر به عدم تحقق توسعه می‌شود (کمالی، ۱۳۹۱، ۵).

بی‌توجهی به امور مهمی نظیر نظام ورزش بانوان، امور پژوهشی و تحقیقاتی، نظام باشگاه‌داری و ورزش قهرمانی در برنامه پنجم توسعه ناشی از جهت‌گیری‌های محدود به جهت‌گیری‌های مالی و اعتباری است که خود بیانگر فقدان مرجعیت مشخص در حوزه ورزش است. پراکنده بودن احکام مربوط به بخش ورزش و محدود بودن موضوعات در برنامه پنجم توسعه نیز گواهی دیگر بر فقدان مرجعیت خط‌مشی‌گذاری در حوزه ورزش بوده که اثرات دامنه‌داری را بر تحقق احکام قانونی مندرج در برنامه پنجم توسعه خواهد گذاشت.

برنامه پنجم درآمد اختصاصی حذف گردیده است. از آنجایی که بخش اعظم درآمدهای حاصله صرف هزینه‌های نگهداری مربوط به اماکن مورد اجاره خواهد شد که با توجه به عدم تخصیص و ابلاغ به موقع اعتبارات درآمدی منجر به افزایش هزینه‌ها و بروز شکوائیه از سوی مدیران استانی و انعکاس آن به مقامات بالاتر می‌گردد. چنانچه ردیف درآمدی وزارت ورزش و جوانان همچون سنوات گذشته به درآمد اختصاصی تغییر یابد می‌تواند کمک شایانی به حل این مشکل و رفع چالش‌های پیش روی ادارات استانی تابعه و هیئت‌های مزبور گردد. از نقاط قوت بخش ورزش و تربیت‌بدنی در برنامه پنجم، تأکید و توجه به ورزش‌های روستایی (بند «ع» ماده (۱۹۴)) است. در این بند تأکید بر پیش‌بینی مکان‌های ورزشی برای جامعه روستایی به منظور بهبود وضعیت روستاها و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان شده است. با توجه به اینکه بخش قابل‌توجهی از جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند که بنا بر اقلیم‌های مختلف و برحسب ضرورت دارای بازی‌ها و ورزش‌های خاص خود هستند، عدم توجه به ورزش‌های مذکور باعث از بین رفتن تدریجی انگیزه در بین جوانان روستایی شده و در واقع پشتوانه ورزشی کشور کاهش پیدا خواهد کرد. خوشبختانه در برنامه پنجم توسعه به این امر توجه شده است و ضروری است در برنامه ششم توسعه نیز به این امر توجه شود. یکی دیگر از نقاط قوت برنامه پنجم توسعه، توجه به ورزش دانش‌آموزی (ردیف ۱۳ بند «الف» ماده ۱۹) است، ورزش دانش‌آموزی اهمیت ویژه‌ای برای بخش عظیمی از جمعیت جوان کشور از ابعاد مختلف تربیتی، اجتماعی و سالم‌سازی جامعه دارد و پشتوانه مناسب توسعه ورزش در سطح کلی محسوب می‌شود. اما همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید در برنامه ششم توسعه باید سهم و نقش وزارت ورزش و امور جوانان و وزارت آموزش و پرورش به صورت شفاف مشخص گردد علاوه بر این نقاط

جدول ۳: عملکرد متغیرهای کلیدی برنامه پنجم توسعه در بخش ورزش و تربیت‌بدنی

* عنوان هدف‌های کمی	واحد	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵
۱ سرانه فضاهای ورزشی سرپوشیده	مترمربع	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۴۴
۲ مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های المپیک	تعداد	-	-	۱۲	-	-	-	۸
۳ مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های پارالمپیک	تعداد	-	-	۲۴	-	-	-	۲۴
۴ مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های پار آسیایی	تعداد	۸۰	-	-	-	۱۲۰	-	-
۵ مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی	تعداد	۵۹	-	-	-	۵۷	-	-
۶ مدال‌های کسب‌شده در مسابقات قهرمانی آسیا و جهان	تعداد	۱۱۴۵	۱۵۵۱	۱۴۸۶	۱۵۵۶	۱۷۴	۱۵۶۵	۱۵۹۲
۷ جمعیت سازمان‌یافته ورزش قهرمانی مردان	نفر	۱۷۷۸۴۵ ۶	۱۷۵۵۸۵۸	۱۸۷۲۸۸۵	۱۸۲۲۰۵۶	۱۹۰۴۸۳۰	۱۶۷۳۱۶۲	۱۸۵۱۴۶۱
۸ جمعیت سازمان‌یافته ورزش قهرمانی زنان	نفر	۷۸۴۶۸۹	۸۰۹۲۰۷	۸۹۵۸۵۵	۸۷۷۷۵۱	۹۵۵۲۰۷	۸۹۹۹۲۱	۹۱۷۹۱۹
۹ میزان مشارکت زنان در برنامه‌های ورزش همگانی نسبت به کل جمعیت	درصد	۵،۱۴	۶	۱۵	۲۷	۲۸،۵	۱۸،۳	۱۸،۲۹
۱۰ میزان مشارکت مردان در برنامه‌های ورزش همگانی نسبت به کل جمعیت	درصد	۲۰	۲۲	۲۷،۵	۴۰	۴۱،۵	۲۷،۷	۲۴،۲۵
۱۱ جمعیت سازمان‌یافته ورزش روستایی و عشایری	نفر	۱۷۹۵۰۰	۲۴۲۴۸۰	۲۴۶۶۵۶	۱۷۹۲۶۷	۱۸۶۷۱۷	۱۹۴۶۷۵	۱۹۶۹۰۲
۱۲ مراکز استعدادیابی در ورزش قهرمانی	تعداد	-	-	۱۵	۲۲	-	۲۳	۲۱
۱۳ باشگاه‌های بخش غیردولتی و خصوصی جوانان پسر شرکت‌کننده در برنامه‌های اوقات فراغت به کل جمعیت جوانان	تعداد	۱۴۶۰۰	۱۴۸۰۰	۱۵۰۵۰	-	-	-	-
۱۴ جوانان دختر شرکت‌کننده در برنامه‌های اوقات فراغت به کل جمعیت جوانان دختران کشور	درصد	۳	۹	۹،۱	۲۱،۵	۳۱،۱	۴۲،۲۲	۷۳،۵
۱۵ جوانان دختر شرکت‌کننده در برنامه‌های اوقات فراغت به کل جمعیت جوانان دختران کشور	درصد	۳	۶	۸،۶	۲۴	۲۵،۰۱	۴۶،۱۲	۷۱،۷
۱۶ برگزاری کارگاه‌های آموزشی و معرفی جوانان	تعداد	-	-	-	۳۰۰	۱۵۰	۳۰۰	۱۶۶۶
۱۷ نسبت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال جوانان به تعداد سمن‌های ثبت‌شده	درصد	۱۶	۱۴	۱۴،۵	۱۴،۸	۱۶	۹۱	۱،۳۷۴
۱۸ تعداد جوانان شرکت‌کننده در جشنواره حضرت علی‌اکبر	تعداد	-	۴۹۶۶	۴۹۶۶	۵۳۰۰	۲۶۲۵	۲۵۰۰	۶۰۰

(گزارش نظارت بر عملکرد برنامه پنجم توسعه، ۱۳۹۵)

فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت

نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در این حوزه سبب بروز تعارض مرجعیت بخشی شده است و این امر را می‌توان یکی از عمده دلایل بروز ناپایداری در روند ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور دانست. وضعیت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور در پایان برنامه چهارم و پنجم توسعه بر اساس گزارش

روند ناپایدار ورزش قهرمانی از منظر مرجعیت خط و مشی‌گذاری ورزشی در جمهوری اسلامی ایران نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌های ورزشی هستند. تعدد

است که این ناهمگنی را می‌توان در فقدان مرجع کلان در بخش ورزش جستجو کرد. از دیگر عوامل روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای می‌توان به تغییر رویکرد و فازهای ورزش قهرمانی و حرفه‌ای که منبعث از نهادهای متعدد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر است اشاره کرد. دخالت‌های فرا بخشی در ورزش قهرمانی که به علت فقدان مرجعیت سیاست‌گذاری و نهادهای متعدد تصمیم‌گیری در عرصه ورزش است سبب‌ساز تعدد مدیران و شاخص‌های مدیریتی و در نتیجه اثرات نامطلوب در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای شده است.

سازوکارهای استخراج‌شده برای ارتقاء کیفیت خط و مشی‌گذاری ورزشی در ایران (کدگذاری ثانویه) پس از استخراج سازوکارهای ارتقاء کیفیت خط‌های عمومی به صورت کدهای اولیه، این سازوکارها توسط پژوهشگر مورد بررسی مجدد قرار گرفت و به صورت کدهای ثانویه در مؤلفه‌های مختلفی دسته‌بندی شد. هدف از انجام این کار ارائه پیشنهاداتی برای یک خط و مشی خوب در نظر گرفته شده است. ویژگیهای خط مشی خوب بر مبنای نگرش دکتر دانشفرد چنین است: «خط مشی خوب در ابتدای امر، یک فعالیت ذهنی است. در ابتدای امر باید مدل حل مسئله به صورت ذهنی ایجاد گردد، دستورالعملی باید تنظیم شود و مسئله ای که باید با تغییر خط مشی حل شود باید در شروع کار روشن گردیده، جوانب دور و نزدیک آن مورد ملاحظه قرار گردد.» (دانشفرد، ۱۳۹۵، ۳۵). بر همین مبنای کدهای ثانویه زیر برای ارتقاء کیفیت خط و مشی‌گذاری ورزشی در ایران پیشنهاد می‌گردد:

وزارت ورزش و جوانان بر اساس شاخص‌هایی نظیر مدال‌های کسب‌شده در میادین مختلف، تعداد کانون‌های استعدادیابی، تعداد مربیان زن و مرد و نیز تعداد باشگاه‌های دولتی و خصوصی در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده روند ناپایدار در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور را می‌توان بر اساس مرجعیت تصمیم‌گیری و خط و مشی‌گذاری ورزشی توضیح داد. ساختار تشکیلاتی غیرمنسجم و فقدان نهاد مرجعیت ساز در عرصه ورزش ایران سبب موازی کاری و عدم یکپارچگی در نظام ورزش ایران شده است. متأسفانه دخالت دولت که می‌بایست به عنوان عنصر وحدت بخش در ورزش باشد به چالش موثری در این رابطه تبدیل گردیده است. ابهام در مرجعیت ورزش قهرمانی اثرات دامنه‌دار و مسائل عمده‌ای در سایر مراحل ایجاد نموده و در نهایت سبب عدم تحقق سیاست‌های تدوین‌شده در حوزه ورزش قهرمانی شده است. وجود نهادهای متعدد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نظیر وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌های ورزشی منجر به عدم وحدت رویه این نهادها در عرصه ورزش قهرمانی و در نتیجه عدم ثبات در کسب مدالها و نتایج آن شده است.

مرجعیت یک سیاست با تعریف ملاک‌های انتخاب و چگونگی تعیین اهداف به یک خط مشی‌گذاری معنا می‌بخشد و شیوه‌های اقدام تحت تأثیر مرجعیت کلان و تصور آن‌ها از جایگاه هر بخش می‌باشد. (ملک محمدی و کمالی، ۱۳۹۴، ۲۷۹). با نظری گذرا بر وضعیت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور ناهمگنی در خط سیر رشد رشته‌های ورزشی در آن کاملاً مشهود

جدول ۴: سازوکارهای استخراج‌شده برای ارتقاء کیفیت خط و مشی‌گذاری ورزشی در ایران (کدگذاری ثانویه)

مؤلفه‌ها	کدهای ثانویه
افزایش ظرفیت خط و مشی‌گذاری ورزشی تقنینی	تلاش برای تعیین تکلیف سطوح خط‌مشی‌گذاری ورزشی در لایه‌های قهرمانی، همگانی و حرفه‌ای اختصاص دادن محوریت نظام خط‌مشی‌گذاری ورزشی در پایه قهرمانی به نظام خط‌مشی‌گذاری ورزش‌های المپیک و جلوگیری از هرگونه دخالت فرا بخشی در این حوزه ایجاد مشارکت‌های خصوصی بر مبنای رقابت کامل ورزشی در پایه ورزش‌های قهرمانی و همگانی و کاهش وابستگی بخش‌های دولتی به بودجه عمومی در ردیف هزینه‌کردهای بودجه در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه
اشاعه دانش خط و مشی‌گذاری ورزشی در کشور	تقویت علم خط‌مشی‌گذاری ورزشی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی دولتی کشور ایجاد و تقویت مراکز خط‌مشی‌پژوهی دانشگاهی در توسعه ورزش برگزاری کنفرانس‌های سالانه خط‌مشی‌گذاری ورزشی به رسمیت شناختن و تسهیل در ایجاد کانون‌های تفکر خط‌مشی‌گذاری ورزشی تألیف و ترجمه مقالات، کتاب و نشریات علمی و تخصصی روز در حوزه‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری ورزشی همکاری‌های آموزشی و پژوهشی مشترک با نهادهای بین‌المللی و مراکز دانشگاهی و خط‌مشی‌پژوهی دنیا
کاربردی سازی دانش خط‌مشی	استفاده از ظرفیت نهادهای پژوهشی و دانشگاه‌ها در چرخه خط‌مشی‌گذاری ورزشی استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در چرخه خط‌مشی‌گذاری ورزشی بسترسازی و حمایت از مشارکت گروه‌های ذینفع برگزاری کارگاه‌های آموزش تحلیل خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌ها و مراکز خط‌مشی‌گذاری کشور. برگزاری میزگردهای تخصصی در حوزه‌های خط و مشی‌گذاری ورزشی ایجاد و تقویت مراکز خط‌مشی‌پژوهی تخصصی در وزارتخانه‌های هجده‌گانه کشور
طراحی نظام اطلاعاتی خط و مشی‌گذاری ورزشی و مدیریت یکپارچه ورزشی در کشور	ایجاد شبکه یکپارچه اطلاعاتی قلمروهای ورزش کشور در سطوح مختلف ورزش حرفه‌ای و آماتوری مستندسازی تجارب خط‌مشی‌گذاری کشور تزریق فناوری اطلاعات در خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی ایجاد و تقویت سازمان‌های اطلاعاتی و آماری در سازمان‌ها و قوای سه‌گانه راه‌اندازی شبکه سازمان‌های غیردولتی حوزه‌های مختلف به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی در مراجع تصمیم‌گذار راه‌اندازی بانک‌های اطلاعاتی منسجم در هر حوزه
طراحی نظام مدیریت (ارزیابی) عملکرد	تعریف شاخص‌های ارزیابی از آغاز صورت‌بندی اقدام سیاستی نظام ارزیابی کثرت‌گرا و بین‌قوا و جامعه مدنی وجود سیستمی برخط و فراگیر جهت سنجش نتایج به‌طور واقعی
طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خط‌مشی‌های ورزشی در ایران	راه‌اندازی شبکه خط‌مشی‌گذاری ورزشی با تاکید بر سطوح محلی، ملی و بین‌المللی الزام به پیوست‌های ورزش و سلامت شهروندان در قوانین برای در نظر گرفتن اندرکنش‌های سایر حوزه‌ها جامع‌نگری در تدوین و تهیه سیاست‌ها و ورزش و سلامت حذف نهادهای موازی خط‌مشی‌گذاری ورزشی همسوسازی نظری و فلسفی درون حوزه و بین‌حوزه‌ای؛ خط‌مشی‌گذاری ورزشی به‌روزرسانی قوانین با توجه به تطبیق با سیاست‌های بالادستی موجود و جدید؛ خط‌مشی‌گذاری ورزشی تقیح (پالایش) قوانین در هر سازمان و وزارت خانه؛ خط‌مشی‌گذاری ورزشی
طراحی نظام خط و مشی‌گذاری و تفکیک ورزش قهرمانی از ورزش همگانی	جلوگیری از تأثیرگذاری بدون محدودیت کارکنان اداری روی خط‌مشی‌گذاری ورزشی تصحیح فرهنگ سیاسی نخبگان خط‌مشی‌گذار ورزشی به جهت تخفیف مداخلات سیاسی تخصصی کردن پست‌های کلان مدیریتی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ورزشی حذف تأثیر و رابطه گروه‌های فشار بر تمامی مجالس و نهادهای قانون‌گذار در امر ورزش برقراری تعادل بین ایدئولوژی و نگاه علمی در چرخه خط و مشی‌گذاری ورزشی

مؤلفه‌ها	کدهای ثانویه
تفکیک حوزه جوانان از وزارت ورزش	توجه به حوزه جوانان به عنوان موتور محرکه توسعه کشور در وزارتخانه تخصصی همچون وزارت خانواده و جوانان توجه به حوزه‌های خلاقانه و کار افرینانه جوانان تعارض ماهیتی موضوع جوانان از وجه عمومیتی در حوزه جوانان و تخصصی در حوزه ورزش
توجه به جایگاه اجتماعی ورزش به‌ویژه ورزش زنان	رفع تبعیض‌های جنسیتی و پررنگ کردن نقش زنان در قانون‌گذاری تقویت جایگاه زنان و جوانان کاهش دوز سیاسی در انتصاب افراد در حوزه ورزش

بحث و نتیجه‌گیری

(۲) رشد رشته‌های ورزشی از فقدان مدل مشخص

حکایت می‌کند؛

(۳) دخالت‌های فرا بخشی در ورزش و تاثیرات عمیق

دخالت‌های دولتی در آن کاملاً وجود دارد؛

(۴) تغییر رویکرد و فازهای ورزش قهرمانی، همگانی و

حرفه‌ای در ورزش ایران به‌صورت کاملاً مشخص

و اعواجاج در منافع و هدف ورزشی بطور ملموس

دیده می‌شود؛

(۵) تعدد مراجع تصمیم‌گیری خود باعث اختلاف

سطوح ادراکی در نظام معنایی ارزشی

سیاست‌گذاری ورزش شده است؛ به‌طوری‌که

دخالت‌های بخش دولتی در نهادهای غیردولتی

ورزشی باعث خطر تعلیق این ورزش‌ها شده است؛

(۶) از سوی دیگر تعارض بار نظام ارزشی و هنجاری

جامعه ایرانی و اسلامی سبب بروز تعارض‌هایی در

خصوص ابعاد مختلف ورزش از جمله بطور نمونه

موضوع ورود زنان به ورزشگاه‌ها شده است؛

(۷) غلبه نگاه بخشی بر کلان و حاکم شدن نظام

بودجه‌ای بر برنامه توسعه بخشی ورزش؛

(۸) فقدان برنامه منسجم پیش و نظارت عملکرد در

سطوح مختلف ورزش؛

به عقیده دانایی فرد (۱۳۸۷) منفعت عمومی جامعه

از سیاست‌گذاری، اثربخشی، سازگاری و میزان تطابق

سیاست با اهداف و راهبردهای کلان دولت و نظام‌های

نهادی، قانونی و اصلاحی، انصاف و برابری و انعکاس

ارزشهای جامعه، عواملی هستند که با استفاده از آنها

مقاله حاضر با فرض وجود مشکل در خط

مشی‌گذاری ورزشی ایران با تأکید بر مرجعیت‌های

چندگانه تصمیم‌گیری به دنبال تمرکز بر عمده‌ترین

مشکل مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار ورزش

کشور در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

مبتنی بر مدل مرجعیت تصمیم‌گیری پیر مولر بود. این

پژوهش با روش فرا تحلیل کیفی با بررسی مواد قانونی

تحقق برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین بررسی

روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از منظر

مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری در تحلیل نتایج

تحقیقات مرتبط، یکی از عمده‌ترین مشکلات ورزش

کشور را تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار در

ورزش ایران می‌داند که منجر به عدم تحقق مطلوب

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و نیز بی‌ثباتی در عرصه

ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و نتایج آن شده است.

مرجعیت خط مشی گذاری در بخش ورزش

جایگاه روشنی از این بخش ارائه نمی‌کند و ضمن

ابهامات فراوان سازوکار ارتباط بین نهادی و بخش‌های

مختلف با بخش ورزش را مشخص نمی‌سازد. تعدد

مرجعیت‌های نظام خط مشی گذاری ورزش ایران

نارسایی‌های فراوانی را در این داشته است که از آن

جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) تعدد اهداف ورزشی و عدم توازن اهداف در بخش

ورزش وجود دارد؛

در ورزش، عدم توسعه ورزش همگانی و قهرمانی و حرفه‌ای، تغییرات مداوم مدیران در سطوح وزارت و فدراسیون‌ها، چالش‌های ساختاری و فقدان هم‌افزایی نهادهای تاثیرگذار حوزه ورزش، پایین بودن سهم ورزش در تامین سلامت عمومی مردم و عدم بسترسازی ورزش قهرمانی، محدود بودن رشته‌های صاحب مدال و عدم دسترسی به قهرمانی پایدار در سطوح مختلف، فقدان توجه به طرح جامع ورزش کشور و لزوم بازنگری در آن مواجه می‌باشد.

پس از انقلاب اسلامی برنامه‌هایی در زمینه ایجاد و توسعه اماکن ورزشی، توجه به موضوع آموزش مربیان، آماده‌سازی و پرورش بازیکنان ملی، تحول در اصول تمرین با تاسیس پایگاه‌های استعدادیابی و قهرمانی اجرا گردید. در برنامه سوم توسعه کشور سیاست‌های توسعه ورزش به عنوان سیاست‌های اجرایی بخش تربیت بدنی و ورزش برنامه تعیین شدند که به دلیل عدم اجرا به برنامه چهارم منتقل شدند. در پایان علیرغم برنامه ریزی منسجم و هدفمند بسیاری از دستگاه‌های متولی ورزش، به نظر می‌رسد موازی‌کاری در سیاست‌های توسعه ورزش در وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها، شهرداری‌ها، آموزش و پرورش و آموزش عالی و... زمینه توسعه نایافتگی و همچنین هدررفت سرمایه‌ها را فراهم کرده است. در حال حاضر وجود یک سند ملی با لزوم بازنگری در طرح جامع ورزش کشور به منظور ایجاد و استمرار سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای کلان ورزش ایران از ضروریات توسعه ورزش ایران می‌باشد.

منابع و مآخذ

اجرلو، مصطفی. رضا محمدکاظمی، علیرضا نادری خورشیدی، محمدحسین قربانی. (۱۳۹۵). طراحی ساختار تشکیلاتی کلان ورزش جمهوری اسلامی ایران، مطالعات مدیریت ورزشی مهر و آبان ۱۳۹۵ شماره ۳۸.

می‌توان در مورد درستی یک سیاست یا فرایند سیاست‌گذاری قضاوت کرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، با مفروض وجود مشکل در خط‌مشی‌گذاری ورزشی ایران، مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری از عمده‌ترین مشکلات مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار ورزش کشور در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر مدل مرجعیت تصمیم‌گیری پیرمولر می‌باشد. جکسون (۲۰۰۰) و اخوان کاظمی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که در بیشتر کشورها نحوه نگرش دولت به ورزش در توسعه ورزش نقش عمده‌ای در توسعه ورزشی آن کشور دارا می‌باشد. که با نتایج این تحقیق نیز همخوانی دارند. این پژوهش با بررسی مواد قانونی تحقق برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین بررسی روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از منظر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری یکی از عمده‌ترین مشکلات ورزش کشور را تعدد نهادهای موازی تصمیم‌گیرنده در ورزش ایران و تعارض نظام ارزشها در سطوح مختلف می‌داند که منجر به عدم تحقق مطلوب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و نیز بی‌ثباتی در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و نتایج حاصل از آن شده است.

با توجه به نقش ساختار بر تدوین سیاست‌های کلان و به تبع آن ارتباط خط‌مشی‌گذاری در توسعه ورزش (رمضانی نژاد، ۱۳۹۶، ۲۵۰)، در این مقاله به شکل مروری ساختار ورزش ایران و سیاست‌های کلان ورزش کشور با توجه به اسناد بالادستی توسعه و همچنین نتایج ورزش قهرمانی مورد بررسی قرار گرفت. مرور کتب، مقالات و منابع موجود در این زمینه نشان داد، هر چند که در اجرای سیاست‌های برنامه اول تا پنجم توسعه بهبود نسبی در بعضی از ابعاد ورزش کشور وجود دارد، ولیکن ورزش ایران با چالش‌هایی همانند، وجود نهادهای موازی و بعضاً متعارض، مشکل عدم ثبات مدیران و دخالت سیاست

- ازکیا مصطفی، توکلی محمود. (۱۳۸۵) فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی، نامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۵ دوره جدید، شماره پیاپی ۲۷؛ ۱-۲۶
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۷). سیاست گذاری و دستاوردهای آن برای ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۷۰: ۳۷-۱۵۹
- احسانی، محمد؛ صفاری، مرجان. امیری، مجتبی. کوزه چیان، هاشم. (۱۳۹۳). طراحی مدل ورزش همگانی ایران. مجله مدیریت مطالعات ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۹۳، صفحه ۸۷-۱۰۸
- اخوان کاظمی، مسعود و احمدی، حامین، ۱۳۹۷، جامعه شناسی سیاسی ورزش و نقش آن در سلامت، دومین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت اهواز، اهواز.
- الوانی، مهدی. شریف زاده، فتاح (۱۳۸۳). فرآیند خط مشی گذاری عمومی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- بدری آذین، یعقوب (۱۳۸۵). بررسی وضعیت ورزش ژیمناستیک در ایران با رویکرد تدوین نظام جامع توسعه منابع انسانی در ورزش ژیمناستیک کشور. دانشگاه تهران.
- پیمان فر، محمدحسن و همکاران. (۱۳۹۱). موانع زیربنایی نظام ورزش کشور در اجرای برنامه‌های راهبردی. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره سوم.
- جوادی پور، محمد، رهبری، سمیه. (۱۳۹۶). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران. فصلنامه علمی و ترویجی سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۷، شماره ۲.
- جوادی پور، محمد، میترا روحی دهکردی؛ سمیه رهبری؛ حلیمه طایفی. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی فرآیند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو. مطالعه مدیریت ورزشی، شماره ۵۲.
- حیدری، محمد؛ صابری، علی؛ کارگر، غلامعلی (۱۳۹۷). «فراتحلیل مطالعات عوامل و راهکارهای جذب مردم برای توسعه ورزش همگانی در ایران»، پژوهش در ورزش تربیتی، ش ۶، ص ۳۴-۱۷.
- خسروی زاده اسفندیار، مهرزاد حمیدی جهانگیر یداللهی محمد خیبری، شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی، مدیریت ورزشی تابستان ۱۳۸۸ شماره ۱.
- دانایی فرد، حسن. (۱۳۷۸). چالش‌های مدیریت دولتی. انتشارات سمت، تهران.
- دانش فرد، کرم اله (۱۳۹۵). فرآیند خط مشی گذاری عمومی. تهران، نشر صفار.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۲) فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنها. مجله جامعه شناسی ایران، ش ۸، ۱۱۳-۱۳۵.
- راسخ، نازنین، سجادی، سید نصرالله. (۱۳۹۴). 'استراتژی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان کشور ایران بر اساس مدل SPP، مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۲.
- رمضانی نژاد، رحیم؛ هژبری، کاظم. (۱۳۹۶). مبانی توسعه ورزش و کاربرد آن در ورزش ایران. دوره ۲۴، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۲۳۳-۲۶۳
- سوادی، مهدی، همتی نژاد، مهرعلی، قلی‌زاده، محمدحسن، گوهر رستمی، حمید رضا. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی ورزش همگانی در استان هرمزگان». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ۶ (۲): ۸۶-۱۰۱.
- کاشف، محمد. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه‌هایی برای توسعه آن. چهارمین همایش تربیت بدنی. دانشگاه تهران.

وزارت ورزش و جوان. (۱۳۹۴). گزارش برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه ورزش. تهران.

وفایی مقدم، علی و همکاران. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری ورزش همگانی در کشورهای پیشرفته و ایران. دومین همایش ملی و انجمن علمی مدیریت ورزشی. تهران.

وفایی مقدم، علی. فرزام فرزاد، سید محمد حسین رضوی، مصطفی افشاری. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل توسعه ورزش همگانی بر اساس نظریه داده بنیاد، مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۱۰، شماره ۵۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، ص ۴۳ - ۷۲.

هاولت، مایکل، راش، ام. (۱۳۸۰). مطالعه خط و مشی عمومی. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

Astrid, N., Sjolie. Ford Thuen. (2002). School journeys and leisure activities in rural and urban adolescents in Norway. Health promotion int, 17 (1) PP: 21-30

Birkland, T. A. (2014). An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts and Models of Public Policy making: Routledge

Decoster, J (2003). Meta-Analysis Notes. (Http://www.stat-help.com.

Jobert, Bruno, Muller, Pierre, (1987), L'Etat en action, Politiques publiques ET corporatismes, Paris, PDF.

Houlihan, B. (2005). Public sector sport policy. Developing a framework for analysis international. Review for the Sociology of Sport, 40 (2), 163-85.

Hopkins, W.G. (2001). A new view of statistics: meta-analysis. <http://www.sportsci.org>.

Last, J.m. (1995). A Dictionary of Epidemiology. 3rd Edition. Oxford University Press.

Hulleyard, R., Mood, D. & Morrow, J.R. (1996). Interpreting Research in sport and Exercise science. Mosby Publishers, St Louis, MO.

Sargit, S. (2017). Sport Malaysia: Policies and development strategies for the populace. Paper presented at the Second International Sport for all Conference, Tehran.

Prins, Richard G. Sigrid M, Mohnen Frank J, van Lenthe, J. B. & Anke, O. (2012). Are neighbourhood social capital and availability of sports facilities related to sports

کمالی، یحیی. (۱۳۹۱). مرجعیت سیاست‌ها و توسعه صنعت گردشگری ایران با تأکید بر برنامه سوم و چهارم توسعه. مجله فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۲۷، شماره ۱.

مظفری سیدامیراحمد، الهی علیرضا، عباسی شهامت، احدپور هنگامه، رضایی زین العابدین. (۱۳۹۱). راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران، مطالعات مدیریت ورزشی (پژوهش در علوم ورزشی)، بهار ۱۳۹۱، دوره ۴، شماره ۱۳؛ از صفحه ۳۳ تا صفحه ۴۸.

مظفری، سید امیر احمد؛ معین فرد، محمد رضا؛ پورسلطانی، حسین؛ مشرف جوادی، بتول. (۱۳۸۹). توصیف اجرای تربیت‌بدنی در سه پایه مدارس کشور. نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد دوم، شماره ۱۴.

ملک محمدی، حمیدرضا، کمالی، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی مفاهیم پارادایم، مرجعیت و ائتلاف حامی در تحلیل سیاست‌گذاری عمومی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۱.

مولر، پیر. (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران. انتشارات دادگستر.

منظمی، مریم. علم، شهرام. سیده ناهید شتاب بوشهری. (۱۳۹۰). 'تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران، نشریه مدیریت ورزشی، ۳-۱۰.

وحید، مجید. (۱۳۸۳). خط و مشی گذاری عمومی. تهران. میزان.

وحید، مجید. (۱۳۸۴). نگاهی به مشکل سیاست‌گذاری عمومی در ایران در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و با بهره‌گیری از مفهوم مرجعیت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.

- participation among Dutch adolescents? International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity. 9 (90), PP: 2-11
- Peters, Gay (2004). American Public Policy: Promise and Performance. New York: CQ Press.
- Timulak, L. (2009). Meta-analysis of qualitative studies: A tool for reviewing qualitative research findings in psychotherapy. *Psychotherapy Research*, 19 (4/5):591-600.
- Malakoutian, M. (2009). Sport and Politics. *Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science*. 39 (2): 301-316
- Hopkins, W.G. (2001). A new view of statistics: meta-analysis. <http://www.sportsci.org>.

یادداشت‌ها

- ¹ Referential
- ² Muller
- ³ Sport Management
- ⁴ Houlihan
- ⁵ Singh